بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

خارج فقه جلسه56...9/9/1399

درباره شستن متنجس به بول رضیع گفته شد یک بار اب ریخته شود که همه اجزای تنجس را بگیرد پاک میشود و فشار لازم نیست اما سه شرط داشت دو شرط گفته شد

شرط سوم این است که شیر این رضیع از زن مسلمان باشد نه کافر و نه شیر خوک لذا اگر از کافر شیر بخورد یا شیر خوک بخورد در حکم صبی متغذی است دلیل ما آن علتی است که در خبر سکونی وارد شده است امام امیرالمومنین علی علیه السلام فرمودند بول دختر بچه اگر به لباس برسد در دوران شیرخوارگی باید شسته شود چون شیر این دختر بچه از مثانه مادرش خارج میشود ولی پسر بچه در ان دوران شیرخوارگی نیاز به شستن ندارد چون شیر پسر بچه از دو طرف بازوها و شانه ها خارج میشود لذا هم شیر دختر بچه و هم بول آن شسته شود اما شیر و بول پسر بچه نیازی به شستن ندارد همین اندازه که آب روی آن ریخته شود کافی است

تقریب استدلال :حضرت یک قاعده کلی دادند که شستن هر بولی که لبن او نجس است واجب است ما این قاعده کلی را از این تعلیل فهمیدیم لان لبنها یخرج من مثانة اُمِّها شیر دختر بچه از مجرای نجس عبور میکند لذا به قانون العلة اما تعمم أو تخصص ما میتوانیم از حکم دختر بچه تعدی کنیم به سایر شیرهای نجسه مثل لبن کافره و سگ و خوک

نظر استاد :حق در نزد ما این است که این شرط سوم درست نیست و اکثر فقها این شرط را قبول ندارند مثل صاحب جواهرو .... ⏪. به خاطر دو جهت :

یکی ضعف روایت اما نه بخاطر سکونی چون در طریق روایت نوفلی است که ضعیف است

دوم : مشکل دلالی است که عمل به عموم تعلیل ( شستن کل بولی که لبن أو نجس است واجب است ) توالی فاسده ای چندی داد :

تالی فاسد اول : لازمه اش این است که اگر دختر بچه از زن مؤمنه شیر به.رد که آن زن مؤمنه بچه پسر بدنیا آورده است نباید شستن بول او واجب باشد چون شیر پسر خورده است ولم یقل به احد

دوم : پسر بچه ای که از زنی که دختر بدنیا آورده واجب است بول او شسته شود و لم یقل به احد

سوم :این فرقی که بین محل اخراج شیر پسر و دختر بچه در این رایت هست مخالف با خلقت و تکوین مادر است چون چگونه ممکن است از یک مادر دو تا مجرای شیر به حسب پسر و دختر ساخته شود در حالیکه قرآن و علم روز میگویند مخرج شیر از مادر یکی است آما قرآن سوره نحل آیه ۶۶ نسقیکم مما فی بطونه من بین فرث و دم لبنا.... فرث آن غذای هضم شده داخل معده است شیر نه از آن غذای داخل مع ه است و نه از آن خون بلکه حد وسط این دوتاست بعد هم علم روز تایید میکند

مرحوم مجلسی در روضة المتقین ج ۱ ص ۲۰۶ فرمودند این خبر را حمل بر تقیه کنید موافقا للعامه پس اکثر فقها این شرط را قبول ندارند اما حکم به احتیاط مستحب دارند

فرع : آیا منظور از بول رضیع آن بچه ای که دو سال و بیشتر از دو سال میخورد و شامل این حکم صب الماء میشود یا نه ؟ که بول او در حکم بول رضیع است که فشار نمیخواهد یا نه ؟ یا منظور از رضیع آن است که به دو سال نرسد ؟

قول اول : حکم تطهیر بول رضیع به بچه ای گفته نمیشود که از سن رضاعی و شیر خوارگی نگذشته باشد ابن ادریس در سرائر دارد شهید در روش الجنان و شهید ثانی در مسالک و مرحوم محقق در جامع المقاصد پس به عقیده اینها تا دو سالگی شیرخواره است و بیش از دو سال اگر شیر بخورد در حکم متغذی است و نباید لباس شسته شود اب ریختن کافی نیست

دلیل این قول اول : چهار تا میباشد :

دلیل اول : مقید کردن حکم بول رضیع به دو سالگی شرعی است چون آیات شریفه دلالت بر این دو سالگی دارد و تاکید میکند تا دوسال بچه را شیر دهید کمتر بچه ای اتفاق می افتد بیش از دو سال شیر بخورد

دوم انصراف است یعنی رضاعت از بچه ای که بیش از دو سال شیر میخورد انصراف دارد و شاملش نمی شود

سوم :روایت معتبره لا رضاع بعد فتان بعد از قطع شدن شیر رضاع نیست منظور از فتان سن شیر خوارگی است که دو سال است

چهارم : مراد به رضیع آن بچه ای است که غذا نخورده است رضیع غیر غذا خور به این معنا است که اکثر غذایش شیر است و از این رضاعت تجاوز نکرد یعنی تا دو سال خورده است نه بیش از دو سال

قول دوم : نباید کلمه دو سال را قید کنیم و شرط کنیم مادامی که این کودک شیر میخورد و اکثر غذایش شیر است اگر چه از دو سال هم گذشته باشد در حکم رضیع است لذا آنچه متعارف بین مردم است این است که بعد از ۶ ماهگی غذا میدهند لذا اگر کسی غذا نداد و اکثر غذایش شیر بود در حکم بول رضیع استدو فتوی مشهور هم همین است چون عمده دلیل صحیحه حلبی و سکونی بود که اب را بر متنجس به بول رضیع بریزید و شستن نمیخواهد و این مطلق است و شامل رضاعت بعد از دو سال هم میشود و نباید مقید کرد و مقیدی در روایت نیامده علاوه بر اینکه موضع حکم در نص اکل است اگر این بچه در دوران شیرخوارگی غذا خورنشد حکم صب ادامه دارد و اگر غذا خور شد این حکم منتفی است و نباید شسته شود لذا موضوع اثر شرعی رضاعت نیست که آیا دو سال است یا بیش از آن است بلکه موضوع اثر شرعی اکل و عدم اکل است